

تخت جمشید؛ متن‌های Fort و Teh

متن سخنرانی در نشر فرزانه روز - چهارشنبه سی‌ام بهمن‌ماه ۱۳۸۷

پیش از آنکه درباره کتاب سخنی بگویم باید اشاره‌ای کوتاه به یافتن و رمزگشایی این گِل نبشته‌ها بکنم.

هنگامی که مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو به سرپرستی ارنست هرتسفلد سرگرم حفاری در تخت جمشید بود، در سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ در دو اتاق در حصار شمال شرقی تخت جمشید به گنجینه‌ای از گِل نبشته‌هایی دست یافتند که تعداد آنها سی هزار قطعه برآورد شد. با اجازه دولت ایران این گِل نبشته‌ها پس از آنکه در پارافین آب شده قرار دادند، برای سالم نگهداشتن، در ۲۳۵۳ جعبه مقوایی و چندین پیت نفتی سال‌های پیشین، در پنجاه صندوق جای داده و در سال ۱۳۱۴ از راه بوشهر به امریکا فرستاده شدند. پس از رسیدن به مؤسسه شرقی و پس از پارافین‌زدایی، در سال ۱۹۳۷ (= ۱۳۱۶) آماده رمزگشایی و خواندن شدند.

مسئولیت رمزگشایی با آرنو پوبل (Arno Poebel)، استاد بزرگ سومرشناس و همکاران جوانش به نام‌های جرج کامرون (George Cameron) و ریچارد هلک

۱. عنوان Fort (مخفف Fortification) عنوانی است که از سوی مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو به گِل نبشته‌های باروی تخت جمشید داده شده است و Teh. (مخفف Tehran) عنوانی است که من به گِل نبشته‌های باروی تخت جمشید که باستان‌شناسان ایرانی یافته‌اند و در موزه ملی در تهران هستند، داده‌ام.

(Richard Hallock) که چند سالی بود که دکترای خویش را گرفته بودند و پیر پور (Pierre Purves) بود. آنچه در آغاز آشکار بود این بود که این گِل‌نشته‌ها از آن شاهان هخامنشی است. در بررسی‌های نخستین دریافتند که زبان آنها زبان ایلامی است. باید اشاره کنم که در میان آنها چهارصد و اندی متن به خط و زبان آرامی، یکی یا دو عدد بابلی، یک عدد فریجی و یک عدد فارسی باستان نیز وجود دارند. پس از رمزگشایی‌های نخستین گمان بردند که این گِل‌نشته‌ها از آن خشایارشا باشد و تا آنکه به گِل‌نشته‌ای برخوردند که از آن سال بیست و دوم بود و آن سال سالی کیسیسه‌ای بود یعنی دارای سیزده ماه بود. با شناخت کاملی که از گاهنگاری بین‌النهرینی همزمان داشتند دریافتند که باید از زمان داریوش بزرگ باشند، چه در میان شاهان هخامنشی تنها پادشاهی که سال بیست و دوی او کیسیسه بوده، داریوش بزرگ است. چندی نگذشته بود که با یافتن نام داریوش و عنوان شاه این امر قطعی شد. تا آغاز درگیری آمریکا در جنگ جهانی دوم نزدیک به صد و پنجاه گِل‌نشته رمزگشایی شده بود. با ورود آمریکا به جنگ جهانی دوم گروه از هم پاشیده شد. پوبل که یک آلمانی متعصب بود به آلمان باز می‌گردد، هلک به سربازی می‌رود، از سرنوشت پور آگاهی‌ای ندارم و تنها کامرون که در آن زمان درگیر خواندن گِل‌نشته‌های خزانه تخت جمشید شده بود و سرانجام آنها را در سال ۱۹۴۸ (= ۱۳۲۷) به چاپ رسانید، در مؤسسه باقی می‌ماند. پس از پایان دوره سربازی، هلک به مؤسسه باز می‌گردد و به تنهایی به خواندن گِل‌نشته‌ها تا واپسین روز زندگی خود ادامه می‌دهد. می‌توان حاصل بیش از چهل سال تلاش هر روز وی را چنین خلاصه کرد:

مقاله‌هایی درباره دستور زبان و مسایل و مشکلات خاصی که در این گِل‌نشته‌ها یافت می‌شوند، شناسایی بیش از هزار نقش مهری که بر آنها زده شده به همراه طُرَاحی بیش از سیصد نقش مهر و... و اصلاح گِل‌نشته‌های خوانده شده جرج کامرون؛ خواندن و ترجمه ۲۰۷ متن گِل‌نشته و چاپ آنها در سی و دو گروه به همراه مقدمه‌ای در هشتاد و شش صفحه که در آن به ویژگی‌های هر یک از گروه‌ها و دیگر موردها پرداخته شده است. با چاپ و انتشار کتاب سترگ گِل‌نشته‌های باروی تخت جمشید (Persopolis Fortification Tablets) در سال ۱۹۶۹ وی به مقام تنها استاد باکرسی زبان ایلامی در جهان دست یافت. در این مدت وی به تربیت دو شاگرد پرداخت که یکی از آن دو به سبب درگیری‌های شخصی پس از دو سال تحصیل را رها می‌کند و آن دیگری منم. هلک پس از آنکه در سال ۱۹۶۵ متن دست‌نویس کتاب خود را برای چاپ به ناشر داد، به خواندن گِل‌نشته‌ها ادامه داد و تا آن روز که زنده بود ۲۵۸۶ گِل‌نشته دیگر را خواند و



● دکتر عبدالمجید ارفعی از گل‌نشته‌های باروی تخت جمشید گفت (عکس از ستاره سلیمانی)

حرف‌نویسی کرد. از میان این گروه، وی متن سی و سه گل‌نشته را که دارای ویژگی‌های خاصی بودند ترجمه کرده و به چاپ رسانید.^۱

کتاب من در بردارندهٔ متن ۱۶۴ گل‌نشته است که ۱۵۰ تای آنها از یافته‌های مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو است که با تلاش مرحوم علاء در زمانی که سفیر ایران در امریکا بود به ایران در سال ۱۳۲۷ بازگردانیده شده بود و پانزده تای دیگر از یافته‌های باستان‌شناسان ایرانی است.

شادروان کامرون پیش از بازپس فرستادن آن ۱۵۰ عدد به ایران آنها را خواند ولی هرگز آنها را به چاپ نرسانید، وی نسخه‌ای از دست‌نوشته خود را به هلک سپرد و وی واژه‌های آنها را در واژه‌نامهٔ کتاب خود آورد. شادروان هلک ایرادهایی چند بر خواندن شادروان کامرون داشت و هنگامی که در تابستان ۱۳۴۸ برای دیداری کوتاه راهی ایران بودم ایرادهای خود را در سه صفحه به من داد تا اگر توانستم به آنها دسترسی پیدا کنم آنها را بازخوانی و اصلاح کنم. در آن تابستان نتوانستم به آنها دسترسی پیدا کنم و از این رو آن سه صفحه را در کتاب خود آورده‌ام تا یادی از تیزبینی و دقت بسیار استاد خود

1. Selected Fortification Texts, *Cahiers de la Délégation Archéologique Française en Iran* 8 (1978): 109-136.

کرده باشم.

این حاصل کار من در موزه ایران باستان است که چندی در آنجا به شناسایی و ساماندهی نوشته‌های موجود به خط میخی در آن موزه سرگرم بودم. متن آماده برای چاپ به همراه عکس‌ها در دی‌ماه ۱۳۸۲ به ناشر، میراث فرهنگی کشور و چاپخانه وزارت ارشاد تحویل داده شد. در اسفندماه همان سال از من خواسته شد تا مقدمه‌ای به انگلیسی بر آن بیفزایم. از آن رو که مقدمه فارسی کتاب برای کسانی نوشته شده بود که گمان برده بودم هیچ‌گونه آشنایی نه با زبان ایلامی هخامنشی دارند و نه با این گِل‌نشته‌ها و محتوای آنها. نمی‌توانستم همان مقدمه را به انگلیسی بنویسم. پس از چند ماه تحقیق و بررسی این مقدمه که به تمامی با مقدمه فارسی متفاوت بود در مرداد ماه سال ۱۳۸۳ به چاپخانه تحویل دادم و به کتاب اضافه شد.

در بهار سال ۱۳۸۴ فیلم و زینک کتاب فراهم شد و نخستین نمونه چاپی از چند صفحه به همت آقای بهمن پارسا، مسئول آن زمان چاپ هنری چاپخانه به گونه‌ای بسیار زیبا چاپ شد و من منتظر آن بودم که هرچه زودتر کتاب به تمامی به چاپ برسد. از چه کتاب در آن زمان به چاپ نرسید بر من آشکار نیست. پس از چندی میراث فرهنگی کشور از وزارت ارشاد جدا شد و همراه با سازمان صنایع دستی یکی از نهادهای ریاست جمهوری شد. بلائی این جدایی بر سر کتاب من فرود آمد چه به سبب بدهی‌های میراث فرهنگی به چاپخانه، چاپخانه وزارت ارشاد از چاپ کتاب‌های میراث خودداری کرد. دو سال دوندگی‌ها و خواهش‌های من در میراث فرهنگی برای تأمین اعتبار چاپ کتاب به جایی نرسید. با آگاهی از سرنوشت این کتاب، به یاری دوستان گرامی و بزرگوارم آقای دکتر علی بلوکباشی و دکتر رضایی باغبیدی و از بخت بلند من آقای دکتر سید کاظم موسوی بجنوردی موافقت کردند که کتاب را در مؤسسه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی چاپ کنند. خوشحالم به آگاهی برسانم که به همت این مؤسسه، سرانجام این کتاب به چاپ رسیده و در حال صحافی شدن است.

یادداشت

مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو بر آن است که متن‌های خوانده شده شادروان هلک به صورت کتابی الکترونیکی، بدون افزودن ترجمه، و به شیوه مرسوم میان آشورشناسان و نه با شیوه نگارشی‌ای که هلک برای ایلامی هخامنشی به کار می‌برد، آنها را به ترتیب زمان خواندن، به چاپ برساند. تا آنجا که من آگاهی دارم تنها سیصد متن نخستین آماده چاپ شده است. با توجه به اینکه این شیوه چاپ تنها برای گروه انگشت‌شماری از پژوهندگان این رشته سودمند خواهد

بود، با موافقت مؤسسه شرقی بر آن شدم تا متن‌های خواننده شدهٔ هلک را با همان شیوه و روشی که او در کتاب سترگ خود به کار برده همراه با ترجمهٔ متن‌ها به فارسی و انگلیسی و عکس‌ها و واژه‌نامه آن برای چاپ مرسوم آماده کنم. با توجه به حجم سنگین متن‌ها و عکس‌ها، بهتر آن دیدم که متن‌ها را در چهار مجلد آماده کنم، هر مجلد کم و بیش در حدود ۶۵۰ متن که کتابی بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ صفحه خواهد شد. برای انجام کار، نخست متن گل‌نشته‌های دوازده گروه نخستین که در آنها به مصرف‌کنندهٔ غایی اشاره نشده را برگزیدم. متن‌ها را از دستنویس‌های وی بیرون آورده و هر یک جداگانه رونویسی و سپس با کامپیوتر حروف چینی شد. سپس، با توجه به کالا، شهر، مسئول نامبرده شده و نقش مهر آن مرتب و واژه‌های آنها بیرون آورده شد. در سال ۱۳۸۴ به یاری میراث فرهنگی و مؤسسه شرقی در سفری به شیکاگو موفق شدم از گل‌نشته‌هایی که برای نخستین مجلد آماده شده بودند، ۶۴۷ گل‌نشته، عکسبرداری کنم. باید بیفزایم که عکس‌های حدود بیست گل‌نشته که پیشتر در مؤسسه شرقی عکسبرداری شده بودند در کمال بزرگواری در اختیار من نهاده شد. آماده‌سازی این مجلد هزینه سنگینی را برای من دربر داشته است و آماده‌سازی کامل آن هنوز نیاز به هزینه‌های بیشتری دارد که در توان من نیست، دریغ‌اکه به هر دری برای یاری گرفتن کوفتم، باز نشد و بیم از آن دارم که با رفتن من هیچ‌گاه این متن‌ها که گنجینه‌های سرزمین ما هستند ترجمه نشده راهی دیار فراموشی‌ها شوند.

منتشر شد:

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

تقویم تطبیقی

یکصد ساله قرن چهاردهم

اسماعیل مرادی غیاث‌آبادی

انتشارات نوید شیراز

تلفن دفتر تهران: ۸۸۹۰۵۹۴۵

تلفن دفتر شیراز: ۰۷۱۱-۲۲۲۶۶۶۲